

See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/288128517>

معماری ارگ بم و اخبار کرمان و بلوچستان در عهد مظفری

Article · January 2006



CITATIONS

0

READS

176

1 author:



Javad Neyestani

Tarbiat Modares University

68 PUBLICATIONS 20 CITATIONS

SEE PROFILE

Some of the authors of this publication are also working on these related projects:



the temple in persian period prophetic texts philip r davies [View project](#)

مجله‌ی مطالعات ایرانی
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال پنجم، شماره‌ی نهم، بهار ۱۳۸۵

معماری ارگ بم و اخبار کرمان و بلوچستان در عهد مظفری*

دکتر محمود طاووسی
استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران
دکتر جواد نیستانی
استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران

چکیده

مقاله‌ی حاضر به قصد معرفی گزارشی از معماری ارگ بم و اخبار کرمان و بلوچستان در عهد مظفری و پژوهشی درباره‌ی آن نوشته شده که پیشتر در سال ۱۳۱۷ ق در روزنامه‌ی حبل‌المتین، چاپ کلکته، انتشار یافته است. گزارش معماری ارگ بم گویای اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ناحیه‌ی کرمان و بلوچستان است و از نظر مطالعه‌ی باستان‌شناسی، معماری و تاریخ سیاسی و مسایل سرحدی مناطق یاد شده، اهمیت به‌سزایی دارد. نگاه نقادانه‌ای که نگارنده‌ی ناشناخته‌ی، «مکتوب اربعه‌ی بم» دارد، حاکی از آگاهی کامل و دقیق وی از اوضاع آن نواحی و نیز دربردارنده‌ی راه‌حلهایی برای بهبود وضعیت نامطلوب آن مناطق است.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۷/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۴/۱۲/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: mahmood.tavoosi@modares.ac.ir

واژگان کلیدی

بم، ارگ بم، کرمان، بلوچستان، قاجار، دوره‌ی مظفری

۱- اشاره

در هفته‌نامه‌ی حبل‌المتین^(۱) چاپ کلکته، سال هفتم، شماره‌ی هفتم، مورخ دوشنبه شعبان ۱۳۱۷ ق گزارشی از ارگ بم، اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کرمان و بلوچستان چاپ شده که از نظر مطالعه‌ی باستان‌شناسی، معماری و تاریخ سیاسی و مسایل سرحدی اهمیت به سزایی دارد. گزارش‌های حبل‌المتین معمولاً توسط مخبران آن هفته‌نامه به کلکته می‌رسیده و یا به قلم نویسندگانی بوده است که می‌خواسته‌اند نوشته‌شان در آن جریده بدون ذکر نام ایشان منتشر شود. نگارنده‌ی ناشناخته‌ی «مکتوب اربعه‌ی بم» که نخواست نامش فاش شود، نقادانه به سیاست حکومت مرکزی در نواحی کرمان و بلوچستان می‌نگرد. او کاملاً به اوضاع و احوال آن ناحیه آشناست و در این ضمن، راه‌حلی‌هایی نیز برای بهبود وضعیت نامطلوب منطقه ارایه می‌کند. از همین رو، برای بررسی «مکتوب» یاد شده، در آغاز ناگزیر به ذکر دو مقدمه‌ی کوتاه برای ورود به موضوع اصلی مقاله‌ی حاضر هستیم.

مقدمه‌ی اول توضیحی درباره‌ی هفته‌نامه‌ی حبل‌المتین و اهمیت انتشار و تاثیر شگرف آن در نهضت مشروطه‌خواهی مردم ایران و مقدمه‌ی دوم اشاره‌ای کوتاه به جغرافیا و پیشینه‌ی بم و ارگ و مطالعات مربوط به آن است.

۱-۱- مقدمه‌ی اول: از روزنامه‌های مفید فارسی زبان که نزدیک به چهل سال در خارج از ایران منتشر می‌شده است، حبل‌المتین شهرت خاصی دارد. این روزنامه از آخرین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ق) تا پس از استقرار مشروطیت، در کلکته، تهران^(۲) و سپس، در رشت^(۳) با مدیریت سید جلال‌الدین حسینی کاشانی^(۴) متخلص به ادیب و ملقب به مؤیدالاسلام (۱۲۸۰ ق - ۱۳۰۹ ش) انتشار یافت. بنا بر مآخذ^(۵) پس از دیداری که در سال ۱۳۰۵ ق بین سید جلال‌الدین حسینی کاشانی با سید جمال‌الدین اسدآبادی در بندرعباس و سپس، ملاقاتی که بین سید جمال‌الدین و ملک‌خان، وزیر مختار ایران در لندن روی داده، آن سه بر آن شدند تا با انتشار روزنامه زمینه‌ی «انقلاب فکری» را در بین ایرانیان فراهم سازند. از

همین‌رو، ملک‌خان (۱۲۴۹ - ۱۳۲۶ق) درلندن، روزنامه‌ی قانون^(۶) و مؤید الاسلام در کلکته، جبل‌المتین را انتشار داد.^(۷) شماره‌ی اول جبل‌المتین در تاریخ دهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ ق در آن شهر چاپ و منتشر گردید.^(۸) جبل‌المتین کلکته به طور هفتگی انتشار می‌یافت و معمولاً در ۲۴ صفحه به قطع وزیری بزرگ، ابتدا با چاپ سنگی، و بعدها با چاپ سربی در چاپخانه‌ی خود روزنامه و هفته‌ای یک‌بار در روزهای دوشنبه چاپ و سه‌شنبه توزیع می‌شد.^(۹) با توجه به رویکرد خاص روزنامه‌ی جبل‌المتین به وقایع آن دوره‌ی ایران و نیز نفوذ و نقش مؤثری که در زمینه‌سازی فکری مشروطیت ایفا می‌کرد، مخالفان و موافقان پرشور و سرسختی داشت. نویسندگان جبل‌المتین بی‌پروا از ضرورت تغییرات اساسی در ایران می‌نوشتند و اوضاع کشور را با دیگر کشورها، چون ژاپن، می‌سنجیدند. آنان از آزادی سخن می‌گفتند و قلم خود را نیز به اقدامات امین‌السلطان اتابک،^(۱۰) صدراعظم دیرپای تکیه زده بر مسند حکومت از عهد ناصرالدین‌شاه تا مظفرالدین‌شاه و متمایل به سیاست‌های روسیه در ایران نشانه می‌رفتند.

امین‌السلطان اتابک که متوجه خطر عظیم روزنامه‌ی جبل‌المتین شده بود، ورود آن را به کشور ممنوع ساخت. این ممنوعیت که ۴ سال به طول انجامید، شامل دو مجلد از سال هشتم روزنامه (شماره‌ی ۱ - ۲۴ از دوشنبه ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ الی دوشنبه ۴ ذیحجه ۱۳۱۸ ق و نیز شماره‌ی ۲۵ تا ۴۸ از دوشنبه ۱۱ ذیحجه ۱۳۱۸ تا دوشنبه ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹) است.^(۱۱)

انتشار جبل‌المتین، همچنین، برای یک بار دیگر به مدت هشت سال از سوی دولت هندوستان متوقف ماند. آغاز این توقیف ظاهراً در سال ۱۲۹۵ ش بوده که در اوایل ۱۳۰۳ ش از توقیف خارج شده و بار دیگر انتشار یافته است. جبل‌المتین در مجموع، آمار چهل و سه بار توقیف را در کارنامه‌ی خود دارد.^(۱۲)

انتشار این روزنامه تا زمان درگذشت مؤید الاسلام در ۲۴ آذر ۱۳۰۹ ش در کلکته ادامه داشته است.^(۱۳)

۲-۱- مقدمه‌ی دوم: شهرستان بم که در مشرق و مرکز استان کرمان در دشتی حاصلخیز قرار گرفته، از شمال به شهرستان کرمان، از مشرق به شهرستان‌های زاهدان و ایرانشهر، از جنوب به شهرستان جیرفت و از مغرب به شهرستان بردسیر محدود است. این شهرستان که محوطه‌های باستانی ارزشمندی را در محدوده‌ی جغرافیایی خود جای داده، مشتمل است بر

چهار بخش حومه (مرکزی)، ریگان، نرماشیر و فهرج و شهرهای بم و بروات. کویر لوت در قسمت شمال و شمال شرقی بم واقع شده و مغرب و جنوب آن کوهستانی است.^(۱۴)

قلعه یا ارگ در محوطه‌ای محصور در شمال شرقی شهر کنونی واقع است. به نوشته‌ی اعتمادالسلطنه^(۱۵) و وزیر کرمانی،^(۱۶) ارگ بر روی صفا‌ی سنگی به ارتفاع حدود دویست ذرع ساخته شده بود. این قلعه از دو قسمت اصلی تشکیل شده: قسمت شمالی که بر روی تپه‌ای سنگی و مرتفع قرار دارد و قسمت جنوبی که در گودی واقع است. قسمت اخیر، هسته‌ی مرکزی شهر به شکل مربع مستطیل با شیبی از مغرب به مشرق به طول حدود ۴۲۵ متر و عرض ۳۰۰ متر از شمال به جنوب است.^(۱۷)

آگاهی اندک ما درباره‌ی پیشینه‌ی ارگ بم در پیش از اسلام مبتنی بر متون تاریخی و ادبی است. از کارنامه‌ی اردشیر بابکان چنین برمی‌آید که بم در اواخر دوره‌ی اشکانیان آباد بوده است. بنابر کارنامه، اردشیر در لشکرکشی خود به دژ گذاران (در شاهنامه: کجاران) با هفتاد بوخت (در شاهنامه: هفتواد) پادشاه آن ناحیه به جنگ پرداخت.^(۱۸) فردوسی محل کجاران را در خطه‌ی دریای پارس^(۱۹) آورده است.

بنا بر کارنامه، هفتاد بوخت در دژ گذاران پادشاهی می‌کرد و دژ گولار و دستگرد جزو دژ گذاران به شمار می‌آمد.^(۲۰) بنا بر شاهنامه، هفتواد پس از کشتن یکی از امرای محلی بر سر کوهی نزدیک کجاران دژی ساخت^(۲۱) که به نظر محققان نخستین پایه‌های قلعه‌ی بم بوده است.^(۲۲) بنا بر نوشته‌ی کارنامه، اردشیر پس از جنگ دوم با هفتاد بوخت و کشتن وی، «زر و سیم بسیار از آن دژ به هزار بار شتر کرد».^(۲۳) طبری^(۲۴) با تایید این روایت به رونق تولید ابریشم در ناحیه‌ی بم و گرد آمدن ثروت کلان در حکومت هفتواد اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد انگیزه‌ی اصلی لشکرکشی اردشیر به گذاران بوده است.^(۲۵) فردوسی نیز در روایت لشکرکشی اردشیر به دژ گذاران و جنگ با هفتواد از دختر وی به نام اختر نام می‌برد که پنبه‌ریسی می‌کرده و با پرورش کرمی در دوکدان سبب ثروتمند شدن هفتواد شده است.^(۲۶) حمداله مستوفی^(۲۷) و معین‌الدین یزدی در ۷۶۷ ق^(۲۸) قلعه‌ی بم را قلعه‌ی هفتواد دانسته‌اند.

اعتمادالسلطنه نیز ارگ بم را از بناهای بهمن بن اسفندیار دانسته و آن را «قلعه‌ی خدای آفرین» خوانده است.^(۲۹)

بنا بر آگاهی‌های موجود از بم و قلعه‌ی آن در منابع دوره‌ی اسلامی، الاعلاق النفیسه^(۳۰) نخستین مأخذی است که از بم به عنوان یکی از کوره‌های کرمان نام برده است، ابن خردادبه^(۳۱) و قدامة بن جعفر^(۳۲) بدون ذکر نام قلعه، به راه‌های بم اشاره کرده‌اند. یعقوبی^(۳۳) به «قلعه‌ی کرمان که به آن قلعه‌ی بم می‌گویند»، اشاره کرده و در جای دیگر، از دستگیری محمد بن طاهر و خاندانش از سوی یعقوب بن لیث در شوال ۲۵۹ ق و قید و بندشان در قلعه‌ی کرمان سخن گفته است.^(۳۴) صاحب حدودالعالم (۳۷۲ ق) نیز ضمن توصیف شهر بم و هوای آن، حصار محکم آن را ستوده است.^(۳۵)

بنا بر روایات متعدّد تاریخی، قلعه‌ی بم از نخستین قرون اسلامی تا دوره‌ی قاجاریه اغلب محل درگیری و پناهگاه مخالفان حکومت‌های وقت بوده است. از جمله‌ی آنهاست پناهنده شدن سُبکری حاکم فارس در ۲۹۷ ق به قلعه‌ی بم پس از شکست یافتن از نماینده‌ی خلیفه در شیراز؛^(۳۶) تصرف قلعه توسط معزالدوله‌ی دیلمی در یورش ۳۲۴ ق به کرمان^(۳۷) و پناه گرفتن یورتمر پس از شکست از مطهر بن عبدالله، سردار عضدالدوله‌ی دیلمی در ۳۶۴ ق؛^(۳۸) و یورش بهاءالدوله‌ی دیلمی در ۳۹۱ ق به قلعه در هنگامی که طاهر بن خلف از صفاریان در ارگ به سر می‌برده است.^(۳۹)

بنا بر اخبار موجود، بم در عهد سلجوقی رونق بسیار یافت و صنایع دستی آن به دیگر نواحی جهان اسلام صادر می‌گردید.^(۴۰)

در منابع دوره‌ی مغول به قلعه‌ی بم در عهد غازان‌خان در ۶۹۶ ق اشاره شده است.^(۴۱) در دوره‌ی آل مظفر نیز امیر مبارزالدین (۷۰۰ - ۷۶۵ ق) پس از چهار سال محاصره‌ی قلعه‌ی بم، آن را گشود.^(۴۲) بنا بر گزارش‌های موجود، قلعه در این دوره رو به ویرانی نهاد.^(۴۳) ارگ بم، همچنین، در دوره‌ی تیموری مسکونی بوده است.^(۴۴)

ارگ در حمله‌ی اشرف غلزایی به تصرف افغان‌ها در آمد.^(۴۵) و در دوره‌ی زندیه، لطفعلی‌خان زند در گریز از آقامحمدخان قاجار در آنجا پناه گرفت.^(۴۶) این محل، همچنین، در ماجرای آقاخان محلّاتی و شورش وی در ۱۲۵۳ ق مأمن او بوده است.^(۴۷) به نوشته‌ی اعتمادالسلطنه، ارگ در ۱۲۷۱ ق تعمیر شد و در ارگ دوم در زمان ابراهیم‌خان ظهیرالدوله،

حاکم کرمان (حک: ۱۲۱۷ - ۱۲۴۰ق) و داماد فتحعلی شاه (وی پدر حاج محمد کریم خان کرمانی پیشوای شیخیه است) آسیای بادی نصب گردید که با باد شمال به چرخش در می آمد.^(۴۸) بنا بر گزارش های موجود، شهر قدیمی ظاهراً تا ۱۲۵۳ ق مسکونی بوده و پس از آن به تدریج خالی از سکنه شده است.^(۴۹)

بنا بر گزارشی که در حبل المتین^(۵۰) آمده و وزیر کرمانی نیز به آن اشاره کرده، در دوره قاجار مدتی از ارگ به عنوان پادگان نظامی استفاده می شده است.^(۵۱)

۲- مکتوب از اربعه^(۵۲) بم بلوک کرمان قابل توجه امنای وطن پرست دولت ایران

گزارش حبل المتین از بم به قرار زیر است:

بم یکی از شهرهای معتبر معروف بوده است و اکنون نیز از تمام بلوکات هجده گانه کرمان آبادتر و استعداد اهالی آن زیادتر، به واسطه رنگ و حنای نرمشیر^(۵۳) که در تمام روی زمین نیست، تمام ملاًکان بم در نهایت وسعت، و هوای روح افزای آن معتدل، برزخ گرمی و سردی دارد، و میوه سردسیری و گرمسیری آن در نهایت لطف و خوبی و برنج و گندم و سایر حبوبات فراوان، قلعه بم از قلاع معروف روی زمین است. با وجودی که امروز هیچ قلعه ای در مقابل توپ های کروپ و غیره قابل استحکام نیست، لکن تبعه بم با وجودی که از هزار سال شاید متجاوز باشد، نوعی مهندسی بنا شده است که هیچ توپ خلل در ارکان آن نمی تواند انداخت و قورخانه دولت هم اکنون در این قلعه می باشند،^(۵۴) و بم به قدری استعداد شهریت دارد که یک نفر حاکم، بلکه یک نفر رئیس می تواند مردم آنجا را مهیای ساختن شهر نماید.

لاکن شدت ظلم و بی عدالتی به ما به قدری زیاد شده است که مثل اواخر حکومت هند هیچ کس در هیچ حالت آسوده نیست. سرتیپ و سرهنگ و صاحب منصب در بم زیاد است و هم خدمت کرده از اوضاع بلوچستان با وقوف، مگر از بیکاری به زراعت و خرید و فروش حنا اشتغال دارند و به همین حالت هم آسوده نمی گذارند. الحال، گندم حواله نموده اند یا خدمتانه از رعیت می خواهند. دیگر در شهر و درب انبار جای خود را دارد. از بم الی بمپور^(۵۵) که مرکز بلوچستان است، تقریباً متجاوز از بیست منزل است، چهار پنج منزل تا ریگان^(۵۶) دارد. ریگان چهارده منزل تا فهرج^(۵۷) و بمپور است که تمام بیابان و بدون آبادی و در منازل هم آبادی

لایقی نیست و همه ساله باید حکومت کرمان یا خود حکومت یا دیگری را به بلوچستان فرستاده قدرت دولت را به بلوچستان بنمایانند. لازم است در این موقع شرحی از وضع بلوچستان و وسعت خاکشان و سرحد سابق ایران را عرض کنم که ملاحظه فرمایید چه قدر ما را فشار داده، به امروز نزدیک است که همین قطعه‌ی متصرفی هم از دست ما انتزاع شود، ماها به خود مشغول و روز به روز قانون‌هایی احداث می‌کنیم که هر کس دولتی دارد و بمیرد، باید وارث بیچاره هر چه دارد، از او بگیرند و این را قانون ملکی خود قرار داده، به گمان اینکه مردم خارجه که در شهرهای ما توقف دارند، نمی‌فهمند. تعجب است که یک نفر مفسد خاطر نشان حکومت می‌کند که این فقره قانون این ملک است و همیشه جاری بوده، در کدام عصر این قانون بوده است که ابقا بر مرده و زنده‌ی ماها نگذارند. این قانون باعث خواهد شد که رعیت یا ناچار شده خود را به دول خارجه ببندد، یا مالیه‌ی خود را به خارجه حمل کند.

ای دل عشاق به دام تو صید
ما به تو مشغول و تو با عمرو و زید
پاره‌ای می‌گویند این مطلب به عرض ایالت عظمی نمی‌رسد، زیرا که ابتدا سواد احکام و اعلانات ایشان متواتر به بم و بلوچستان رسید که قانون‌های مذموم را که سابقاً بوده است، ممنوع فرمایند.

لاکن بحمدالله امروز شاهنشاه جمجاه ماها عدالت گستر و رعیت‌پرور است و هرگاه ملاحظه‌ی اخبار نمی‌فرمودند، لقب مبارک مؤید الاسلامی^(۵۸) به صاحب این اخبار مرحمت نمی‌فرمودند. اگر بگذارند عرایض دولت خواهان به سمع ایالت عظمی برسد، از نظر مبارک ولی نعمت و شاهنشاه دین‌دار پاک اعتقاد عادل ماها خواهد گذشت و به زوال خانه‌ی موروثی راضی نخواهند شد و عمماً قریب اثر آن مشهود خواهد شد.

بر دانایان علوم تواریخ پوشیده نیست که بعد از فتح نادرشاه افشار شاهنشاه مقتدر ایران در هندوستان و تاج‌بخشی به محمدشاه^(۵۹) رودخانه و دریای اتک^(۶۰) را سرحد ایران قرار داده، به جهت اینکه منبع اتک از کوه‌های شمالیه‌ی واقعه‌ی ختا و ختن جاری و ساری شده، از نزدیکی کشمیر عبور نموده، در پنجاب رودخانه‌های دیگر به او ملحق شده، از خاک هند گذشته، در بالای کراچی به دریای محیط می‌ریزد. لهذا تمام خاک افغانستان و تمام مملکت هند و تمام خطه‌ی بلوچستان جزو مملکت ایران قرار گرفته بود. چون در ممالک مشرق زمین قانون اساسی

نیست، در امر تغییر سلطنت اختلال به سرحدات روی می‌دهد، متدرجاً مملکت هند امارت مستقلی گشته، مگر [نه] همیشه پناهنده‌ی سلاطین ایشان ایران بوده و بعضی از بلوچستان نیز امارت‌های مستقل شده مثل کلات^(۶۱) نصیرخان و مکرانات^(۶۲) و غیره، چون بنا بر اختصارات به طور اجمال عرض می‌شود که به واسطه‌ی بعد مسافت و عدم اعتنای ایرانیان از ایران مجزّی شد و دولت انگلیس بعد از هنگامه‌ی جنگ در افغانستان خواست تلافی خسارات خود را نموده باشد، یک دفعه تمام سند را متصرف شد و سلطنت خود را در سند قایم نمود که هم راه هند را استحکام داده و متدرجاً حکام بلوچستان را نیز خواهی نخواهی تحت حمایت آورده و تصرفات خود را در بلوچستان نیز زیاد نموده. خاران^(۶۳) در خاک ایران بود. آزادخان^(۶۴) علاوه از اینکه استقلالی به هم رسانیده، چیزی به دولت ایران نمی‌داد، بی‌اعتدالی هم می‌نمود. در حکومت مرحوم مرتضی قلیخان وکیل الملک به امر دولت به سرداری اسعدالدوله‌ی مرحوم، قشونی برای تادیب مشارالیه رفته، قلعه‌ی کوهک^(۶۵) را که مال ایران بوده، متصرف شده بود، از او انتزاع نموده به خاران فرار نمود. بعد از فوت آزادخان، نوروزخان خان خاران شد. چون یقین داشت که متابعت دولت انگلیس فایده‌ی موقتی دارد و آمال آن نوعی دیگر است، مایل به خدمت ایران شد. کراراً برای دولتخواهی کسان خود را به کرمان فرستاد. دولت ایران هم امر به مهربانی او فرمود، مگر آنکه عمال ایران فایده‌ی موقتی می‌خواهند، چندان متعرض مشارالیه نشده حفظ مراتب حقوق ارایه نموده، ناچار تابع دولت انگریز شد. آن‌ها فوز عظیم دانسته، بلکه وعده‌ی استرداد قلعه‌ی کوهک را هم به او داده در اواخر سلطنت شاه شهید دعوی تعیین سرحد خاران و بلوچستان را نموده، در طهران به حضور شاهنشاه شهید نقشه‌ی سرحدات را ابراز داده، خطی کشیده که تقریب دو بیست فرسخ اراضی ایران خاران می‌شد و تمام ماسکت^(۶۶) و غیره جزو خاران می‌شد. بعد از آنکه جمعی از جانب دولتین ایران و انگریز مأمور به تعیین حدود شدند، از جانب ایران میرزا علی اشرف خان اعتماد الوزراء نیز مأمور بود. بعد از ورود به سرحد اسعدالدوله نایب الحکومه‌ی بلوچستان از خطی که طهران معین نموده بودند، ابا و امتناع نمود، زیرا که علاوه از رفتن اراضی بلوچستان، مرتع اهالی بلوچستان نیز به طرف مخالف واقع می‌شد. ناچار تمام سرحدداران تصدیق نموده شش فرسخ از خط مذکور تجاوز شود و سرحد ایران و خاران را معین نمودند و مقصد دولت انگریز که عمده‌ی آن بردن راه آهن از خاک بلوچستان و

سیستان و هرات بود، برآورده شد و اسعدالدوله درین موقع پاس حقوق دولت متبوعه‌ی خود را الحق ادا نمود و تصدیق دولتخواهی ایشان را اعتماد الوزراء مفصلاً نوشته است. اکنون ابتدای حد کوهک و انتهای آن کوه ملک‌سیاه^{۶۷} که سرحد ایران و کلات افغانستان می‌باشد.»

۳- نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان به روشنی مطالعه‌ی منابع کهن، روزنامه‌ها و اسناد ملی بر تغییر در بینش مخاطبان امروزی تأکید کرد. روحیه انتقادی برخلاف تصور رایج از ویژگی‌های دنیای معاصر نیست، بلکه پیشینیان ما نیز با نگاهی کاملاً نقّادانه به اوضاع و احوال روزگار خود نگریسته‌اند و برای بهبود وضعیت سرزمین خود راه حل‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. بررسی نظر این افراد در مطالعات تاریخ سیاسی وسایل سرحدّی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

یادداشت‌ها

۱. جبل‌المتین، جلد چهارم، سال هفتم، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۳ش، صص ۸۰-۸۲.
۲. انتشار جبل‌المتین تهران از ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق آغاز شد. میرزا سیدحسن کاشانی برادر کوچکتر مؤیدالاسلام که در کلکته در انتشار روزنامه با او همکاری داشت و از اواخر ۱۳۱۸ تا اوایل ۱۳۲۵ به عنوان خبرنگار و وکیل جبل‌المتین کلکته در تهران فعالیت می‌کرد، به نیابت از برادرش انتشار جبل‌المتین تهران را که در واقع شعبه‌ی دوم جبل‌المتین بود، بر عهده داشت. جبل‌المتین تهران روزانه چاپ می‌شد و در سال‌های نخست مشروطیت، پس از چند بار توقیف و تعطیل سرانجام، در ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ق دقیقاً یک روز پیش از به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلی‌شاه و آغاز دوره‌ی استبداد صغیر از انتشار باز ماند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: صالحی، نصرالله، «مقدمه»، جبل‌المتین سال اول، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، صص ۷-۱۰؛ معیرالممالک، دوستعلی‌خان، «رجال عصر ناصری»، مجله‌ی یغما، شماره‌ی ۸-۱۰، سال دهم، آبان‌ماه ۱۳۳۶، صص ۳۶۱.

۳. حبل‌المتین تهران دقیقاً پس از یک توقف ۹ ماهه، یعنی از ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ تا ۲۲ صفر ۱۳۲۷، بار دیگر در رشت انتشار یافت. پس از فتح تهران در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ق چاپ روزنامه به تهران منتقل گردید، اما یک هفته بعد (۱۴ رجب ۱۳۲۷ ق) به سبب چاپ مقاله‌ای بحث‌انگیز برای همیشه متوقف شد. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی حبل‌المتین تهران بنگرید به: همان، ص ۱۲ - ۱۳.
۴. وی در روز سه‌شنبه ۱۳ رجب ۱۲۸۰ ق در کاشان در محله‌ی کلهر زاده شد. تحصیلات مقدماتی و تکمیلی خود را به ترتیب در شیراز و اصفهان گذراند و سپس، به ادامه‌ی آن در تهران و خراسان پرداخت. در سامره خدمت آیت‌الله حاجی‌میرزا محمدحسن شیرازی رسید، درس‌های خارج را با او گذراند. در ۱۳۰۵ ق با اجازه‌ی میرزا محمد حسن شیرازی به بندرعباس رفت و چهل و پنج روز در آن شهر اقامت گزید. در همین شهر با سید جمال‌الدین اسدآبادی دیدار کرد. اندکی بعد به عمان و سپس، در ۱۳۰۸ ق به بمبئی وارد شد. وی به غیر از انتشار حبل‌المتین در کلکته در ۱۳۱۱ ق، مجله‌ی هفتگی «مفتاح الظفر» را در ۱۳۱۵ ق، «مجله‌ی آزاد» در ۱۳۱۶ و در همان سال روزنامه‌ای به زبان اردو و در ۱۳۲۱ مجله‌ی هفتگی «ملک و ملت» را به انگلیسی منتشر ساخت. مرحوم مؤیدالاسلام در روز ۱۹ آذرماه ۱۳۰۹ شمسی در دفتر کار خود در شهر کلکته دچار حمله‌ی قلبی شد و شب ۲۴ آذر جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیکر وی پس از یکسال امانت در هندوستان، در روز ۲۴ آذرماه ۱۳۱۰ شمسی به مشهد منتقل و در ایوان عباسی دفن شد. بنگرید به: ایران‌پرست، ن، «شرح حال آقای مؤید مدیر روزنامه‌ی حبل‌المتین»، ارمغان، شماره‌ی ۵ - ۶، سال ۱۰، مرداد و شهریور ۱۳۰۸ ش، ص ۲۸۳ - ۲۸۴؛ صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد دوم، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۴، ص ۲۰۸.
۵. ایران‌پرست، همان، ص ۲۸۰؛ صدرهاشمی، همان، ص ۲۰۰.
۶. این روزنامه در ۱۳۰۷ ق / ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ م توسط ملک‌خان در لندن چاپ شده است. نخستین شماره‌ی آن نیز در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰، منتشر گردیده است. در این باره نک:

- براون، ادوارد، محمدعلی تربیت، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت، ترجمه‌ی رضا صالح‌زاده، جلد سوم، تهران، کانون معرفت، بی‌تا، ص ۳۰.
۷. ایران‌پرست، همان، ص ۲۸۰.
۸. رابینو، هل. روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق / ۱۲۸۹ ش، ترجمه و تدوین جعفر خمami‌زاده، چاپ اول، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۲۳.
۹. صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.
۱۰. میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان ملقب به اتابک اعظم، از مشاهیر رجال و وزرای عهد قاجاریه. وی در اواخر دوره‌ی ناصرالدین‌شاه قاجار صدراعظم بود و نیز یک چند در عهد مظفرالدین‌شاه صدرات داشت. محمدعلی‌شاه نیز او را به اصرار از اروپا خواست و به صدرات برگزید. وی در شب ۲۲ رجب ۱۳۲۵ ق هنگام خروج از مجلس، در سن ۵۰ سالگی مقتول شد. بنگرید به: معیرالممالک، دوستعلی‌خان، همان، ص ۳۶۱.
۱۱. صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص ۲۰۳.
۱۲. ایران‌پرست، ن، همان، ص ۲۸۱؛ صدر هاشمی، همان، ص ۲۰۷.
۱۳. صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص ۲۰۴.
۱۴. خسروی، خسرو، «بم»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۴، به کوشش غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۹۵.
۱۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، مرآة‌البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش، ص ۴۰۷ - ۴۷۱.
۱۶. وزیر کرمانی، احمدعلی، تاریخ کرمان، به کوشش باستانی پاریزی، تهران، ۱۳۵۴، ص ۹۲.
۱۷. گوبه، هاینس، «ارگ بم»، ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر، در: نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۵؛ برای آگاهی بیشتر درباره‌ی معماری ارگ بنگرید به:

۱۸. کارنامه‌ی اردشیر بابکان، با متن پهلوی، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، ۱۳۵۴، ص ۵۵ - ۶۱.
۱۹. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه‌ی فردوسی، جلد ۷، چاپ مسکو ۱۹۶۳ - ۱۹۷۱، ص ۱۳۹.
۱. زشهر کجاران به دریای پارس که گوید ز بالا و پهنای پارس
۲۰. همو، ص ۵۵ - ۶۱.
۲۱. همو، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.
۲۲. خسروی، خسرو، «بم»، ص ۱۹۸.
۲۳. کارنامه‌ی اردشیر بابکان، ص ۸۸.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۷۹ - ۱۸۶۹، چاپ افست تهران، ۱۹۶۵، ص ۸۲۰.
۲۵. خسروی، خسرو، «بم»، ص ۱۹۹.
۲۶. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، ج ۷، ص ۱۴۳.
۲۷. حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابوبکر، کتاب نزهةالقلوب، به کوشش لسترنج، لیدن، ۱۹۱۵، ص ۱۴۰.
۲۸. معین‌الدین یزدی، علی بن محمد، مواهب الهی، به کوشش سعید نفیسی، ج ۱، تهران، ۱۳۲۶ش، ص ۱۲۳.
۲۹. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، ج ۱، ص ۴۷۰.
۳۰. ابن‌رسته، کتاب الاعلاق النفیسه، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۶۷، ص ۱۰۶.
۳۱. ابن خردادبه، کتاب المسالك و الممالک، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۶۷، ص ۴۹، ۵۴.
۳۲. قدامة بن جعفر، کتاب الخراج، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۶۷، ص ۱۹۶.
۳۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران، ۱۳۵۶ش، ص ۶۲.
۳۴. همان، ص ۸۵.

۳۵. حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۰ش، ص ۱۲۸.
۳۶. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، ج ۶، ۱۴۰۵ ق، ۱۹۸۵ م، ص ۱۳۶.
۳۷. همان، ص ۲۵۵.
۳۸. همان، ج ۷، ص ۶۲.
۳۹. همان، ص ۲۱۰.
۴۰. افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد، عقدالعلی للموقف الاعلی، به کوشش علی محمد عامری نائینی، تهران، ۱۳۵۶ش، ص ۱۲۸؛ برای آگاهی بیشتر از دوره‌ی سلجوقی تا مغول بنگرید به: خسروی، خسرو، «بیم»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.
۴۱. و صاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله، تحریر تاریخ و صاف، به کوشش عبدالمحمد آیتی، تهران، ۱۳۴۶ش، ص ۱۸۱.
۴۲. کتبی، محمود، تاریخ آل مظفر، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران، ۱۳۶۴ش، ص ۴۴ - ۴۵.
۴۳. همان، ص ۱۱۴.
۴۴. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب‌السیر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ج ۳، تهران، ۱۳۵۳ش، ص ۵۷۱.
۴۵. وزیر کرمانی، احمدعلی، تاریخ کرمان، ص ۶۵۱.
۴۶. سپهر، محمدتقی، ناسخ التواریخ، سلاطین قاجاریه، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، ج ۱، ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ش، ص ۶۹.
۴۷. وزیر کرمانی. احمدعلی، همان، ص ۹۴.
۴۸. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، ج ۱، ص ۴۷۰.
۴۹. وزیر کرمانی، احمدعلی، جغرافیای کرمان، به کوشش باستانی پاریزی، تهران، ۱۳۵۴ش، ص ۹۴.
۵۰. جبل‌المتین، جلد چهارم، سال هفتم، ص ۸۱.
۵۱. وزیر کرمانی، احمدعلی، جغرافیای کرمان، ص ۹۴.

۵۲. در منابع دوره‌ی قاجار اشاره‌ای است به بخش‌های چهارگانه‌ی بم، در این باره بنگرید به: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، ج ۱، ص ۴۷۰.
۵۳. نرماشیر، جلگه‌ی حاصلخیز و پهناوری است در جنوب شرقی شهرستان بم که از لوت زنگی احمد در شمال دهستان دلگان شهرستان ایران شهر و منطقه‌ی جبال بارز جیرفت در جنوب و از حومه‌ی شهرستان بم در غرب تا منطقه‌ی سرحد در مشرق را دربر می‌گیرد. مرکز کنونی آن آبادی فهرج در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بم است. برخی از حاصلخیزترین و بااستعدادترین دهات بم در این منطقه واقع است. نک: سالار بهزادی، عبدالرضا، بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری، چاپ اول، تهران، موقوفات افشار، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۷۳.
۵۴. این قورخانه دو طبقه بوده و زندان آن نیز در محوطه‌ی اداری حاکم‌نشین قرار داشته است. از قورخانه تا زندان، دالانی به عمق چهار متر وجود داشته که پس از گذشتن از آن به محوطه‌ی پهن تری متصل می‌شده است. نک: خسروی، خسرو، «بم»، ص ۱۹۸.
۵۵. شهر بمپور مرکز بخش بمپور از بخش‌های شهرستان ایران شهر، استان سیستان و بلوچستان در ۲۲ کیلومتری باختر ایران شهر و در مسیر راه ایران شهر - چاه‌بهار است. رود بمپور که از کوه‌های شمال خاوری ایران شهر سرچشمه گرفته از جنوب شهر می‌گذرد و سرانجام، به هامون جازموریان می‌ریزد. ناحیه‌ی بمپور با وسعت ۱۲۵۰۰ کیلومتر مربع به عنوان زیرحوزه‌ی شرقی از حوزه‌ی آبریز شرق جازموریان در جنوب شرقی ایران واقع، و محدود است از شمال به کوه‌های کارواندر، از شرق به ارتفاعات دره‌ی رودخانه‌ی کنارو، از جنوب به ارتفاعات کوه‌های همنت Hamont و آهوران و از مغرب به دشت دلگان و جلگه‌ی چاه هاشم. بمپور تا زمان حکومت ناصرالدوله فرمانفرما کرسی‌نشین و مرکز حکومت بلوچستان بود. در حکومت ناصرالدوله فرمانفرما در سال ۱۳۰۱ ق مرکز حکومت از بمپور به فهره یا فهرج یا ایران شهر فعلی منتقل گردید و به همین مناسبت، قلعه‌ی آنجا به قلعه‌ی ناصریه معروف شد. برای آگاهی بیشتر نک: عبدالله گروسی، عباس، جغرافیای تاریخی ناحیه‌ی بمپور بلوچستان، پهل پهره، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۹؛

۲. برای آثار تاریخی این ناحیه نک:

۳. B. DE Cardi, "Bampur" in:

۴. Encyclopaedia Iranica, ed, Ehsan yar shater, vol, III, Routledge and kegan paul, London and new York, ۱۹۸۲, p.۶۶۲.

۵۶. ریگان از توابع بخش نرماشیر شهرستان بم و حد فاصل خاک بلوچستان و بم حدود ۹۰ کیلومتر با شهر بم و بیش از ۲۰۰ کیلومتر با ایرانشهر فاصله دارد. خاکش بسیار حاصلخیز و منطقه‌ی کشاورزی بسیار مستعدی است.

۵۷. فهرج یا فهره، ایرانشهر فعلی که در ۱۳۰۱ ق به پیشنهاد ناصرالدوله فرمانفرما حکمران وقت کرمان و بلوچستان به جای بمپور در نزدیکی آن که تا آن زمان مرکز حکومت بلوچستان بود و آب و هوای بسیار بدی داشت، به عنوان مرکز ایالت بلوچستان برگزیده شد. ایرانشهر یا فهرج سابق در جنوب شرقی شهرستان بم واقع بوده، فاصله‌ی آن تا کرمان حدود ۵۰۰ کیلومتر و تا تهران ۱۵۰۰ کیلومتر است.

۵۸. منظور، سیدجلال الدین حسینی کاشانی متخلص به ادیب و ملقب به مؤیدالاسلام است.

۵۹. محمدشاه (حک: ۱۱۳۱ ق) امپراطور مغولی هند؛ نک: باسورث، کلیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۰.

۶۰. اتک، از شاخه‌های رود سند و در مغرب آن، در این باره نک: شعبانی، رضا، نادرشاه افشار، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱ ص ۵۰.

۶۱. کلات نصیرخان، خاک کلات از سمت مغرب محدود است به منطقه‌ی وسیع دیزک (دزک) که متعلق به ایران است و مرکب از چندین ده و قصبه‌ی کوچک که قریه‌های سرحدی آن به نام جالق و کلاغان (کله‌گان) موسوم است. قدری پایین‌تر از دو قریه‌ی اخیر قصبه‌ی کوچک کوهک واقع است که با پنجگور و پاروم و سایر توابع آن‌ها همه جزء کلات محسوب می‌شوند (برای آگاهی بیشتر نک: محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، اقبال ۱۳۵۳، ص ۹۷۴).

۵. سرپرسی سایکس خاستگاه اولیه‌ی حکومت نصیرخان را در بلوچستان شرقی نگاشته و می‌نویسد که به تدریج حوزه‌ی اقتدار وی تا بمپور توسعه یافت. نصیرخان پس از حکومت برادرش امیر محبت‌خان در بلوچستان به حکومت رسید. نصیرخان در ۱۷۹۵ م درگذشت و پس از مرگش بلوچستان صحنه‌ی هرج و مرج طولانی شد و این ایالت بین شماری از رؤسای قبایل تقسیم گردید. (برای آگاهی بیشتر نک: سایکس، سرپرسی، سفرنامه‌ی یازده هزار میل در ایران، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، تهران، لوحه، ۱۳۶۳، ص ۱۴۹؛ همو، تاریخ ایران، ترجمه‌ی سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، تهران، علمی، ۱۳۳۵، ص ۵۶۳).

۶۲. نام مکران به طور اخص به ایالتی در ایران اطلاق می‌شده و مکران بلوچستان را کج مکران و مکران واقع در ایالت بلوچستان را مورخان روی هم مکرانات نامیده‌اند. مکران ایران سابقاً ایالت جداگانه‌ای را تشکیل می‌داد، ولی بعدها به موجب قانون تقسیمات کشور در ۱۳۱۶ از استان کرمان محسوب شده و باز دست خوش تغییرات قرار گرفت. جاسک امروزی مرکز این ایالت محسوب می‌شده است. نک: دایرةالمعارف فارسی، به کوشش غلامحسین مصاحب، ذیل مدخل. ص ۲۸۳۲ - ۲۸۳۳.

۶۳. به ناحیه‌ی غربی بلوچستان پاکستان اطلاق می‌شود که طایفه‌ی مهم آن نوشیروانی‌ها هستند. نوروزخان پسر آزادخان خارانی و از عوامل و ایادی معتبر انگلیس در منطقه‌ی بلوچستان و خاران بود. در این باره نک: سالار بهزادی، عبدالرضا، بلوچستان ... ، ص ۳۷۵.

۶۴. رئیس مقتدر تیره‌ی خاران، بنا بر نوشته‌ی اعتمادالسلطنه، اوضاع بلوچستان ایران در طول سال‌های ۱۲۷۰ - ۱۲۷۳ ق آشفته بوده و نافرمانی‌های گاه و بیگاه خوانین محلی بلوچ، از جمله آزادخان خارانی، به قلمرو حکومت ابراهیم‌خان سعدالدوله حاکم بلوچستان ادامه داشته که مسأله‌ی اخیر توسط ابراهیم‌خان (حک: ۱۲۷۰ - ۱۳۰۱ ق) سرکوب گردیده است. آزادخان در ۱۲۷۳ ق خلع سلاح گردید و به اطاعت دولت مرکزی درآمد. برای آگاهی بیشتر نک: اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷، ص

۱۷۵۹؛ نیز: سالار بهزادی، عبدالرضا، بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری، ص ۱۲۲، ۱۴۷ - ۱۴۸، ۱۵۶ - ۱۵۷.

۶۵. کوهک واقع در ناحیه‌ی کلات دارای تنها قلعه‌ی نظامی و استراتژیک بوده است. این قلعه به قول سایکس، دژ بزرگ و ناحیه‌ی مستقلى به شمار می‌رفت و علاوه بر این، از آنجا تا نزدیکی سیستان صاحب و سرپرستی نداشت (نک: سفرنامه، ص ۲۶۲). به عبارت دیگر، تصرف کوهک امکان کنترل و اداره‌ی بخش بزرگی از بلوچستان تا سرحد سیستان را به هر کس که آن را در اختیار خود داشت، می‌داد. از همین رو، ناصرالدین شاه همواره از انگلیس درخواست واگذاری آن را به دولت ایران می‌کرد که در این باره نیز راه به جایی نمی‌برد. برای شرح ماجرای کوهک و نقش انگلیس در آن نک: سالار بهزادی، عبدالرضا، بلوچستان ...، ص ۱۳۵ - ۱۴۲.

۶۶. درباره‌ی کمیسیون ایران و انگلیس برای تعیین خطوط سرحدی ایران و پاکستان و قلعه‌ی کوهک که مهمترین موضوع مورد اختلاف هیأت انگلیسی با حاکم بلوچستان ایران که خوشبختانه توسط یک مامور وطن‌پرست وزارت خارجه‌ی ایران یعنی میرزا معصوم‌خان انصاری کمیسیون دولت ایران در این کمیسیون پشتیبانی می‌شد، مسأله‌ی مالکیت کوهک بود که در آن زمان برای هر دو طرف اهمیت استراتژیکی فوق‌العاده‌ای داشت. زیرا قلعه‌ی کوهک دارای تنها قلعه‌ی درخور توجه از نظر نظامی و در خط مرزی تا حدود کوه ملک سیاه در شمال منطقه بود. نک: سالار بهزادی، عبدالرضا، بلوچستان، ص ۲۴۵ - ۲۴۷.

۶۷. ماسکت یا ماشکید، ناحیه‌ای است در مرز بلوچستان ایران و ناحیه‌ی خاوران از بلوچستان پاکستان که رود ماشکید یا ماشکل یا مشکل از آنجا می‌گذرد. نخلستان‌های ماشکید در بلوچستان معروف بوده‌اند. نک: سالار بهزادی، عبدالرضا، بلوچستان، ص ۱۹۰.

۶۸. کوه ملک سیاه در شمال قلعه‌ی کوهک واقع است.

کتابنامه

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، جلد ۶، بیروت، ۱۴۰۵ / ۱۹۸۵.

۲. ابن خردادبه، (۱۹۶۷)، کتاب المسالك و الممالک، به کوشش دخویه، لیدن.
۳. ابن رسته، (۱۹۶۷)، کتاب الاعلاق النفیسه، به کوشش دخویه، لیدن.
۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۶۷)، مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران.
۵. — تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، (۱۳۶۷)، جلد ۳، تهران، دنیای کتاب.
۶. افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد، (۱۳۵۶)، عقد العلی للموقف الاعلی، به کوشش علی محمد عامری نائینی، تهران.
۷. ایران پرست، ن، مرداد و شهریور (۱۳۰۸)، «شرح حال آقای مؤید مدیر روزنامه‌ی جبل‌المتین»، ارمغان، شم ۵-۶، س ۱۰.
۸. باسورث، کلیفور ادmond، (۱۳۷۱)، سلسله‌های اسلامی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۹. براون، ادوارد و محمدعلی تربیت، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت، ترجمه‌ی رضا صالح‌زاده، جلد سوم، تهران، کانون معرفت، بی‌تا.
۱۰. جبل‌المتین، (۱۳۸۳)، جلد ۴، س هفتم، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۱. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، (۱۳۴۰)، تهران.
۱۲. حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، (۱۹۱۵)، کتاب نزهة القلوب، به کوشش گی‌لسترنج، لیدن.
۱۳. خسروی، خسرو، (۱۳۷۷)، «بم»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، جلد ۴، به کوشش غلامعلی حداد عادل، تهران.
۱۴. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام الدین، (۱۳۵۳)، تاریخ حبیب السیر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران.
۱۵. دایرةالمعارف فارسی، به کوشش غلامحسین مصاحب، (۱۳۷۴)، جلد دوم (بخش دوم) تهران.

۱۶. رابینو، هل. (۱۳۷۲)، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ / ۱۲۸۹، ترجمه و تدوین جعفر خمایی‌زاده، تهران.
۱۷. سالار بهزادی، عبدالرضا، (۱۳۷۲)، بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ ق، تهران، موقوفات افشار.
۱۸. سایکس، سرپرسی، (۱۳۳۵)، تاریخ ایران، ترجمه‌ی سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، تهران، علمی.
۱۹. —، سفرنامه یا ده هزار میل در ایران، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، (۱۳۶۳)، تهران، لوحه.
۲۰. سپهر، محمدتقی، (۱۳۴۴ - ۱۳۴۵)، ناسخ التواریخ، سلاطین قاجار، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران.
۲۱. شعبانی، رضا، (۱۳۸۱)، نادرشاه افشار، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۲. صالحی، نصرالله، (۱۳۸۳)، «مقدمه»، جبل المتین، سال اول، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران.
۲۳. صدر هاشمی، محمد، (۱۳۶۴)، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد دوم، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات کمال.
۲۴. طبری، محمدبن جریر، (۱۹۶۵)، تاریخ الرسل و الملوک، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۷۹-۱۸۹۶، چاپ افست، تهران.
۲۵. عبدالله گروسی، عباس، (۱۳۷۴)، جغرافیای تاریخی ناحیه‌ی بمپور و بلوچستان، پهل پهره، چاپ اول، تهران.
۲۶. فردوسی، ابوالقاسم، (۱۹۶۳ - ۱۹۷۱)، شاهنامه، چاپ مسکو.
۲۷. قدامه بن جعفر، (۱۹۶۷)، کتاب الخراج، به کوشش دخویه، لیدن.
۲۸. کارنامه‌ی اردشیر بابکان با متن پهلوی، به کوشش بهرام فره‌وشی، (۱۳۵۴)، تهران.
۲۹. کتبی، محمود، (۱۳۶۴)، تاریخ آل مظفر، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران.
۳۰. گویه، هاینس، (۱۳۶۵)، «ارگ بم»، ترجمه‌ی کرامت الله افسر، در: نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران.

۳۱. محمود، محمود، (۱۳۵۳)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، اقبال.
۳۲. معیرالممالک، دوستعلی خان، آبان ماه (۱۳۳۶)، «رجال عصر ناصری»، مجله یغما، شماره ی ۸ - ۱۰، سال دهم.
۳۳. معین الدین یزدی، علی بن محمد، (۱۳۲۶)، مواهب الهی، به کوشش سعید نفیسی، جلد ۱، تهران.
۳۴. وزیری کرمانی، احمدعلی، (۱۳۵۴)، تاریخ کرمان، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران.
۳۵. —، جغرافیای کرمان، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، (۱۳۵۴)، تهران.
۳۶. وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله، (۱۳۴۶)، تحریر تاریخ وصاف، به کوشش عبدالمحمد آیتی، تهران.
۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه ی محمد ابراهیم آیتی، تهران.
۳۸. Bastani Parizi, M.E. "Bam", in: Encyclopaedia Iranica, ed: Ehsan yar shater, vol, III, Routledge and kegan paul, London and New York, ۱۹۸۹.
۳۹. Candi, B. De, "Bam Pur" in: Encyclopaedia iranica, ed: Ehsan yarshater, vol, III, Routledge and kegan paul, London and new York, ۱۹۸۹.